

## نگاهی تطبیقی به جایگاه زن در ادیان

همایون سراقی\*

دانشجوی دکتری قرآن و روان شناسی

### چکیده

همهٔ ادیان آسمانی در اصول، با یکدیگر مشترک بوده و اختلاف آن‌ها تنها از نظر کمال و نقص است؛ با این وجود اختلافاتی فراتر از اصول و حتی مطالب اشتباه را می‌توان در بعضی از ادیان مشاهده نمود که حاکی از وجود تحریف در آنها بوده و با توجه به تاریخ مصرف هر یک از آنها امری طبیعی تلقی می‌شود از جمله موضوعاتی که به رغم اهمیت و کثرت مصداق، مورد تحریف واقع شده موضوع زنان است، نگاه درجه دومی به زن، موجود پست‌تر قلمداد شدن، نداشتن استقلال و وابستگی به مرد و در خدمت او بودن، درک پایین، برخوردار نبودن از استعداد کمال‌یابی حداقل به اندازه مرد، از جمله اموری هستند که در ادیان مختلف - جز دین خاتم که اراده خداوند بر مصون ماندن متن مقدس آن یعنی قرآن از تحریف تعلق گرفته است - به روشنی و فراوانی به چشم می‌خورد.

کلید واژگان: زن، ادیان، زرتشت، یهود، مسیحیت، اسلام.

## مقدمه

از منظر اسلام روح دین در هر عصر و زمان چیزی جز تسلیم در برابر اراده حق نبوده و اصول ادیان آسمانی نیز یکی است؛ هر چند با تکامل جامعه بشری، خداوند، ادیان کامل‌تری را برای مردم فرستاده تا به مرحله نهایی تکامل (دین خاتم پیامبران) رسیده است؛<sup>[۱]</sup> از این رو اختلاف موجود در شریعت‌های گوناگون، از نظر کمال و نقص بوده و اختلاف ذاتی تضاد و تنافی اساسی بین آن‌ها نیست؛<sup>[۲]</sup> اما به رغم این در گذر زمان، ادیان دارای تاریخ مصرف دستخوش تحریفاتی قرار گرفته‌اند که به بروز اختلافات اساسی در موضوعات گوناگون بین آن‌ها انجامیده است.

مسائل مربوط زنان که نیمی از جمعیت بشری را تشکیل می‌دهند از جمله موضوعاتی است که از تحریف مصون نمانده؛ این تحریفات را می‌توان هم در عرصه نظری که نگاهی فرودستانه و درجه دومی را نسبت به زنان در پی داشته و هم در حوزه عینی جامعه که شخصیت زن را تا حد بازیچه‌ای تنزل داده مورد بررسی قرار داد. این نوشتار در پی آن است که با رویکردی تطبیقی، نگاه ادیان مختلف را نسبت به «زن» بر اساس متون مقدس هر یک از ادیان ارائه دهد؛ البته رویکرد این پژوهش بیشتر تکیه بر نکات اختلافی و تحریفی موجود در ادیان الهی است.

## دین زرتشت<sup>[۳]</sup>

زرتشتیان ایرانی معاصر، دارای آیین‌نامه‌ای در رابطه با حقوق زنان که در آن از زوایای مختلف به حقوق آنان نگرسته و خود را ملزم به عمل به آن می‌دانند. بر اساس این آیین‌نامه، زن در زمینه‌های ازدواج و طلاق حق رأی و اظهارنظر دارد. حق سرپرستی خانواده، حق درخواست طلاق در صورت عین بودن مرد، قانون تک‌همسری و حق مالکیت، در مواردی در این آیین‌نامه برای زنان رعایت شده است؛<sup>[۴]</sup> اما به رغم این در منابع و متون قدیمی زرتشتیان، زن از جایگاه حقوقی مناسبی برخوردار نیست که به برخی از آن‌ها پرداخته می‌شود:



## ۱. اختیار در ازدواج

در فتوای بیستم از مجموعه فتاوی موبد آذرفرنبغ فرخزدان، وی در پاسخ به این پرسش که اگر دختر یا خواهر مردی به ازدواج با او رضایت و موافقت نداشته باشند، آیا مرد می تواند به زور آنان را به همسری خود در آورد؟ می گوید که مرد را نمی توان وادار به ازدواج کرد؛ ولی زن را می توان به زور به این کار وادار نمود. به خصوص اگر خواهر یا دختر باشد که هم می توان آنان را به زور به زنی گرفت و هم ثواب ازدواج با محارم را دارد.<sup>[۵]</sup>

در فقه زرتشتی چنانچه پدر نخواهد با دختر خود ازدواج کند، دختر می باید منحصرأ با مردی ازدواج کند که پدرش برای او معین کرده است؛ همچنین در صورتی که درباره انتخاب شوهر اختلافی بین پدر و دختر وجود داشته باشد، نظر پدر ملاک عمل قرار گرفته و دختر حق اعتراض ندارد؛ مگر آنکه سن او کمتر از نه سال باشد که در این صورت پس از رسیدن به نه سالگی می تواند شوهر فعلی خود را با رضایت او تغییر دهد.<sup>[۶]</sup>

## ۲. مالکیت یا مملوکیت زن

زن در دین زرتشتی عصر ساسانی، فاقد شخصیت حقوقی بوده و چنین حقی در متون دینی و حقوقی زرتشتی از او سلب شده بود؛ به عبارت دیگر، زن، یک انسان دارای حق شناخته نمی شد؛ بلکه همچون دیگر کالاها، برده ها و دارایی های مرد، یکی از اموال و اجناس او به شمار می رفت؛ زن «شیئی» به شمار می رفت که همواره می بایست به کسی «تعلق» داشته باشد و شایستگی آن را نداشت تا شخصاً سرپرستی خود را عهده دار شده و صاحب اموالی باشد؛ او از هر لحاظ، تحت سرپرستی و قیمومیت پدر یا شوهر بود و چنانچه شوهر و پدرش را از دست می داد، همچون اطفال صغیر برای او قیمی معین می کردند.

به موجب متون حقوقی زرتشتی - و از جمله «مادیان هزار دادستان» - تمامی دسترنج زن که حاصل کار و فعالیت او باشد، متعلق به شوهر و یکی از دارایی اوست و مرد می تواند به دلخواه خود در آن تصرف کند و آن را به مصرف برساند؛ همچنین هرگونه هدیه ای که زن دریافت می کرد، متعلق به شوهر دانسته می شد؛ از آنجا که زن دارای شخصیت و هویت حقوقی به عنوان یک انسان نبود، همچون بردگان نمی توانست از حق مالکیت چیزی و حتی شخص خود برخوردار باشد.<sup>[۷]</sup>





### ۳. پسرزایی و حیات اخروی

نشانه‌های به دست آمده از آثار زرتشتیان قدیم نشان می‌دهد که در اعصار گذشته، تولد پسر دل‌پسندتر از زادن دختر بوده است؛ از این رو خانواده زرتشتی از فروهر اشوان<sup>[۸]</sup> برای تعیین جنسیت جنین و داشتن فرزند نرینه یاری جسته و حیات اخروی نیکان را وابسته به وجود فرزندان ذکور در خاندان می‌پنداشتند.<sup>[۹]</sup>

### ۴. احکام زن حائض

در این آیین، عادت ماهیانه زنان چنان پلید و ناپاک شمرده می‌شود که همگان باید از چنین زنی دوری می‌گزیدند. زنی که خون حیض بیند باید در دشتی بی‌آب و علف و به دور از مقدسات به سر برده و فردی از فاصله‌ی دور برای او خوراک بریزد؛ ظرف خوراک او نیز باید از پست‌ترین فلز آهنی یا سربی بوده و خوراک و آب او باید بسیار اندک باشد.<sup>[۱۰]</sup>

چگونگی پاک شدن زن حائض نیز خود قابل توجه است؛ باید سه گودال بکنند و او را در دو گودال با ادرار گاو شست‌وشو داده و در گودال سوم، با آب او را بشویند.<sup>[۱۱]</sup>

پنهان کردن حیض، یکی از گناهان بزرگ شمرده شده است؛ زنی که حیض خود را پنهان کند باید دویست تازیانه اسبرانی و دویست تازیانه چرمین بخورد.<sup>[۱۲]</sup> همچنین، از آنجا که مخفی کردن عادت ماهانه، موجب یقین مرد به آسیب به تن یا روان خویش می‌باشد، می‌تواند به همین دلیل زن را طلاق دهد.<sup>[۱۳]</sup>

### ۵. تکلیف زنی که کودکی مرده بزاید

در بخش «وندیداد» از کتاب اوستا در این باره چنین آمده است: «ای آفریننده جهان جسمانی! و ای مقدس! بگو بدانم، نخستین خوراک و غذای این زن چه خواهد بود؟» اهورامزدا پاسخ داد و گفت: «این زن باید یک مقدار خاکستر آمیخته با ادرار گاو به اندازه سه لقمه، شش لقمه یا نه لقمه میل کند».<sup>[۱۴]</sup>

زندانی کردن زنان به هنگام مرده زایی نیز رایج بود. در این هنگام مزدپرستان زرتشتی می‌بایست در جایی بی‌آب و علف، اتاقکی ساخته و زن را به آنجا می‌بردند. زن موظف بود در آن اتاقک چند جام از آمیخته پیشاب گاو نر با خاکستر را بنوشد در حالی که تا سه روز حق نوشیدن آب را نداشته است.<sup>[۱۵]</sup>

## دین یهود

زن در نگاه تحریف شده یهود دارای آفرینش تبعی، اغواشده و اغواگر و همراه با ناپاکی است؛ این نگاه نه تنها در جامعه یهود، بلکه در متون مقدس نیز یافت می‌شود.

### ۱. آفرینش حوا

بنا بر آموزه‌های دین یهود، خداوند، آدم علیه السلام را از خاک زمین به وجود آورد و در بینی‌اش روح زندگی دمید و آدم جان دار شد.<sup>[۱۶]</sup> سپس خداوند گفت: «تنها بودن آدم خوب نیست؛ [باید] کمکی در مقابلش ایجاد کنم»؛ آن‌گاه پروردگار خوابی سنگین بر آدم مستولی ساخت تا به خواب رفت، یکی از دنده‌هایش را برداشت و به جای آن گوشت پر کرد. خداوند، آن دنده‌ای را که از آدم برداشته بود زنی ساخت و او را نزد آدم آورد.<sup>[۱۷]</sup>

### ۲. فریب خوردن زن و فریب دادن شوهر

سفر پیدایش از تورات آمده است: پس از خلقت آدم علیه السلام و زنش، مار که از همه حیوانات صحرا مکارتر بود به زن گفت: «آیا خداوند گفته است که از هیچ درختی از این باغ نخورید؟» زن به مار گفت: «از میوه درخت این باغ خواهیم خورد؛ اما خداوند گفته است که از میوه آن درختی که در میان این باغ است نخورید و آن را لمس نکنید، مبادا بمیرید»؛ مار به زن گفت: «حتماً نخواهید مرد، چون که خداوند می‌داند روزی که از آن بخورید چشمان - تان باز می‌شود و مانند خداوند، تشخیص دهنده نیک و بد خواهید شد»؛ زن دید که آن درخت برای خوراک نیکو و برای چشم‌ها هوس‌انگیز بوده و برای معرفت‌دار شدن پسندیده است؛ از میوه آن چید و خورد، به شوهرش هم که در کنارش بود داد و نیز خورد؛ چشمان هر دو گشوده شد؛ دانستند که عریانند و برگ‌های انجیر را به هم دوخته، وسیله ستر عورت برای خویش ساختند.<sup>[۱۸]</sup>

در ادامه، پس از ذکر بازخواست خدا از آدم و حوا و مار می‌خوانیم: «خداوند به زن گفت: رنج و درد بارداری تو را زیاد خواهم کرد، فرزندان را با رنج بزایی و اشتیاق تو به شوهرت خواهد بود و او بر تو مسلط خواهد بود»؛ و به آدم علیه السلام گفت: چون به حرف زنت گوش دادی و از آن درختی که گفتم نخوری، خوردی، زمین به خاطر تو ملعون است، تمام عمرت با رنج از محصول آن خواهی خورد».<sup>[۱۹]</sup>



### ۳. جبران فریب همسر

سفر خروج از کتاب تورات در این باره می‌گوید: روشن کردن شمع‌های شبات (روز شنبه) به عهده زنان است؛ علت این امر آن است که هوا، آدم را وادار کرد از میوه ممنوع بخورد و او را واداشت تا از امر خدا سرپیچی کند.<sup>[۲۰]</sup>

همچنین گفته شده است که زن، با این گناه، چراغ زندگی بشر را خاموش کرد. جان انسان‌ها چون چراغی است؛ از این‌رو زن، با روشن کردن چراغ شبات تا حدودی این خطا را جبران می‌نماید؛ زیرا اجرای دستورات شبات و روشن کردن شمع‌ها ایمان را روشن می‌سازد و بدین وسیله گناه زن تخفیف می‌یابد.<sup>[۲۱]</sup>

### ۴. استیلاي مرد بر زن

در سفر پیدایش از تورات می‌خوانیم: در باغ عدن بود که هوا، حضرت آدم را به خوردن از میوه ممنوعه اغوا کرد<sup>[۲۲]</sup> و به جزای این گناه، شوهرش تا ابد بر وی مستولی شد.<sup>[۲۳]</sup>

### ۵. ازدواج یا معامله

در تورات، پدر در برابر دریافت حق پدری، که بهای دختر باکره نامیده می‌شد،<sup>[۲۵]</sup> دختر خود را به شوهر می‌فروخت و هنگامی که این معامله انجام می‌گرفت و دختر نامزد می‌شد، آن‌گاه مورد تملک همسرش قرار می‌گرفت.<sup>[۲۶]</sup>

### ۶. جایگاه زن رها شده از سوی مرد

در تورات، زنی که از سوی مردی رها شده است با زن فاحشه هم‌پایه است و دین‌داران یهودی از ازدواج با چنین زنانی برحذر داشته شده‌اند.<sup>[۲۷]</sup>

### ۷. تهمت به زن

بر پایه فرامین تورات، چنانچه مردی با زنی ازدواج کرده، به او تهمت زند که تو پیش از زناشویی و در خانه پدر با مرد دیگری هم‌خوابه شده‌ای، پدر زن موظف است جامه خونین شب زفاف را که بیان‌گر باکره بودن دختر اوست به دادگاه ارائه کند؛ چرا که در غیر این صورت زن، محکوم به سنگسار خواهد شد.<sup>[۲۸]</sup>

#### ۸. بدگمانی به همسر

در آئین یهود چنان که در کتاب تورات آمده است، مردی که زن خود را مورد گمان قرار می‌دهد، باید به کاهن نیاز بپردازد؛ کاهن نیز باید با تشریفات خاص، زن را مورد لعنت و نفرین قرار داده و آب مخصوص تکفیر را به او بخوراند تا چنانچه مرتکب گناهی شده که کسی شاهد آن نبوده است، آب لعنت، وارد احشای او شده، ران او شاقط و شکمش منتفخ گردد.<sup>[۲۹]</sup>

#### ۹. وضعیت زن در صورت راضی نبودن همسر

چنان که در سفر «تثنیه» از تورات آمده است، هرگاه مردی زن بگیرد و با او ازدواج کند، چنانچه چیز ناپسندی در او مشاهده کرده و زن در نظرش پسندیده نیاید، طلاق نامه‌ای نوشته به دستش می‌دهد و از خانه بیرونش کند.<sup>[۳۰]</sup>

#### ۱۰. تفاوت دخترزایی و پسرزایی

در سفر «لاویان» از تورات آمده است که هرگاه زنی فرزند پسر به دنیا آورد، تا هفت روز ناپاک خواهد بود و باید سی و سه روز در دوره پاک‌ی صبر کرده و تا کامل شدن روزهای پاک‌ی اش هیچ چیز مقدسی را لمس نکند و به خانه مقدس (معبد) وارد نشود؛ و چنانچه دختر بزاید، مانند دوره قاعدگی اش دو هفته و در دوره پاک‌ی اش، باید تا شصت و شش روز از نزدیک شدن به خانه مقدس خودداری کند.<sup>[۳۱]</sup>

همچنین هرگاه زنی در هنگام زایمان جان سپرده و فرزندی که به دنیا آورده پسر باشد، باید از مرگ خود شادمان باشد؛ زیرا که پسر زاییده است.<sup>[۳۲]</sup>

#### ۱۱. نابرابری نذر سلامتی پسر و دختر

برابر آیین یهود، کسی که صریحاً نذری می‌کند و نذرش مربوط به سلامتی انسانی باشد، بر حسب ارزیابی مقرر (ذیل) نذرش از آن «ادونای» خواهد بود. ارزیابی برای مذکر این است: از بیست ساله تا شصت ساله ارزشش پنجاه شقل نقره بر اساس شقل مقدس؛ و اگر مؤنث باشد ارزشش سی شقل باشد.<sup>[۳۳]</sup>





## ۱۲. ناپاکی لمس کننده زن حائض

در سفر «لاوان» از تورات آمده است، زنی که خون حیض از او جاری می‌شود، باید تا مدت هفت روز در وضعیت قاعدگی خود باقی بماند و هرکس در این مدت او را لمس کند تا شامگاه ناپاک خواهد بود.

همچنین زن حائض در هنگام قاعدگی اش روی هر چیزی بخوابد، ناپاک خواهد بود و هرکس که روی آن بنشیند ناپاک می‌شود؛ همچنین هرکس بستر وی را لمس کند لباس‌های خود را باید بشوید و در آب غسل کند؛ زنی که جریان خونس روزهای زیادی غیر از زمان قاعدگی اش روان باشد تمام روزهای جریان ناپاکی اش مانند روزهای قاعدگی وی بوده و ناپاک است.<sup>[۳۴]</sup>

## ۱۳. کنیزی زنان عبری

تورات درباره کنیزی زنان یهودی می‌گوید که هرگاه زن عبری، فروخته شود، باید تا شش سال برای صاحب خود خدمت کرده در سال هفتم می‌تواند او را آزاد کند؛ اما اگر بگوید از پیش تو نخواهم رفت، چون از بودن نزد تو خشنود هستیم، در این صورت با یک درفش گوش او و نیز در اطاق را با هم سوراخ می‌کنند تا کنیزی او ابدی شود.<sup>[۳۵]</sup>

## ۱۴. مالکیت زن

برابر با آیین یهود زن نمی‌تواند چیزی از خود داشته باشد؛ چرا که او خود از آن شوهرش است؛ هر چیزی در شوهر است، برای شوهر است و هر چه با اوست (همسر) نیز برای شوهر است...؛ درآمد و هر چه در خیابان‌ها به دست می‌آورد، به شوهر تعلق دارد؛ متاع در خانه، حتی خرده‌نان‌های روی میز هم مال شوهر... چنانچه زن مهمانی را به خانه دعوت کرده و به او غذا دهد از شوهر خویش دزدی نموده است.<sup>[۳۶]</sup>

## مسیحیت

آیین مسیحیت درباره حقوق و جایگاه فردی و اجتماعی زن، دیدگاه ثابت و تغییرناپذیری ارائه نکرده است. نسخه‌های گوناگون شناخته شده به نام «انجیل» و رساله‌های به‌جا مانده از شخصیت‌های برجسته و نامدار مسیحی، کشیش‌ها، فرقه‌های مختلف و کاتولیک‌ها، هر یک به سهم خویش درباره حقوق زن، دیدگاه‌های متفاوتی ارائه کرده‌اند؛<sup>[۳۷]</sup> برخی از منفی‌نگری‌های مسیحیت نسبت به زن در متون مقدس و آراء اندیشمندان مسیحی به شرح زیر است:



## ۱. آفرینش تبعی زن

برابر آیین مسیحیت مرد برای زن آفریده نشد؛ بلکه خداوند زن را برای مرد آفریده است.<sup>[۳۸]</sup>

پولس رسول در رسالهٔ اول، قرتیان را مخاطب قرار داده و در این باره می‌گوید: «زیرا که مرد از زن نیست؛ بلکه زن از مرد است».<sup>[۳۹]</sup> همچنان که می‌گوید: «مرد به جهت زن آفریده نشد؛ بلکه زن برای مرد [آفریده شد]».<sup>[۴۰]</sup>

## ۲. برتری مرد بر زن

از منظر مسیحیت مرد بر زن برتری دارد چون سر هر مرد، مسیح است و سر زن، مرد، و سر مسیح، خدا...؛ زیرا که مرد نباید سر خود را بپوشد، چون که او صورت و جلال خداست؛ اما زن جلال مرد است؛ زیرا که مرد از زن نیست بلکه زن از مرد است<sup>[۴۱]</sup> همچنین شوهر، سر زن است؛ چنان که مسیح نیز سر کلیسا.<sup>[۴۲]</sup>

## ۳. لزوم اطاعت از شوهر

برابر آیین مسیحیت همچنان که کلیسا مطیع مسیح است، زنان نیز باید در هر امری از شوهران خود اطاعت کنند؛<sup>[۴۳]</sup> نیز در رسالهٔ اول پولس رسول به افسیسان نیز آمده است: «ای زنان! شوهران خود را اطاعت کنید، چنان که خدا را؛ زیرا که شوهر سر زن است؛ چنان که مسیح نیز سر کلیسا و او نجات دهنده‌ی بشر است».<sup>[۴۴]</sup>

## ۴. طلاق

در انجیل متی پیرامون طلاق زن چنین آمده است: هر کس زن خویش را بدون اینکه خیانتی از او دیده باشد طلاق دهد و آن زن دوباره شوهر کند، آن مرد مقصر خواهد بود؛ زیرا باعث شده زنا شود؛ هر مردی هم که با این زن ازدواج کرده زناکار است.<sup>[۴۵]</sup> همچنین مطابق آیین مسیحیت، زن، پس از ده بار طلاق ناپاک می‌شود.<sup>[۴۶]</sup>

## ۵. فریب خوردن زن

در رسالهٔ اول پولس رسول به تیموتائوس آمده است: خدا اول آدم را آفرید و بعد حوا را؛ آدم فریب نخورد، بلکه زن فریب شیطان را خورد و در تقصیر گرفتار شد...<sup>[۴۷]</sup>





شهید مطهری: با توجه به تحریفات صورت گرفته در مسیحیت به ویژه نگاه منفی به زن و فریبکاری زنان می‌گوید:

یک فکر بسیار غلط را مسیحیان در تاریخ مذهبی جهان وارد کردند که واقعاً خیانت بود. در مسئله زن نداشتن عیسی و ترک ازدواج و مجرد زیستن کشیش‌ها و کاردینال‌ها، کم‌کم این فکر پیدا شد که اساساً زن عنصر گناه و فریب است؛ یعنی شیطان کوچک است؛ مرد به خودی خود گناه نمی‌کند و این زن است، شیطان کوچک است که همیشه وسوسه می‌کند و مرد را به گناه وامی‌دارد. گفتند اساساً قصه آدم و شیطان و حوا این طور شروع شد که شیطان نمی‌توانست در آدم نفوذ کند؛ لذا آمد حوا را فریب داد و حوا آدم را فریب داد و در تمام تاریخ همیشه به این شکل است که شیطان بزرگ، زن را و زن، مرد را وسوسه می‌کند. اصلاً داستان آدم و حوا و شیطان در میان مسیحیان به این شکل درآمد.<sup>[۴۸]</sup>

#### ۶. دخترزایی خسارت است

از منظر مسیحیت دختران از جایگاه نازلی در آفرینش برخوردار هستند؛ از این رو چنان‌که در انجیل آمده است زایش دختر یک خسارت به شمار می‌رود.<sup>[۴۹]</sup>

#### ۷. کنیزی زنان

از جمله احکامی که در عهد عتیق آمده، احکام فروختن دختر به عنوان کنیز است؛ چنان‌که برای آن قوانینی نیز در مسیحیت وضع شده و مسیحیان، این احکام را از جانب خداوند می‌دانند.<sup>[۵۰]</sup>

### اسلام

به رغم وجود پاره‌ای از دیدگاه‌های که در جوامع اسلامی همچون دیگر جوامع، نسبت به زن وجود دارد و همچنین به رغم برخی روایات جعلی و ظواهر برخی دیگر از روایات که سوء برداشت‌هایی را در این باره در پی داشته است، متن مقدس و اصلی اسلام، قرآن کریم، عاری از هرگونه تحریفی است. به باور ما سایر منابع اسلامی، از جمله روایات، تا زمانی معتبر خواهند بود که محتوای آن‌ها بر خلاف قرآن کریم نباشند؛ از این رو در نوشتار حاضر سعی بر آن است که آنچه به عنوان دیدگاه اسلام مطرح می‌شود مستند به قرآن کریم باشد.

در ادامه، نگاه اسلام به جایگاه زنان از منظر قرآن و نیز با تاکید بر مطالب انحرافی موجود که در سایر ادیان، ارائه می‌شود.

### تساوی زن با مرد در مبدأ، فرایند و مراحل آفرینش

از نظر قرآن، آفرینش انسان دارای مراحل است که نخستین مرحله آن، مبدأ آفرینش و حالات گوناگون آن است؛ این مبدأ از نظر قرآن «خاک» است که شکل‌های گوناگونی همچون گل، گل چسبنده، گل تیره رنگ، چکیده، گل، گل خشکیده مانند سفال و... داشته است؛ مرحله دوم از آفرینش او، «تصویر» و «صورت‌بندی انسان» بر روی هیكل گلی آن است که قرآن از آن، گاه با واژه «تصویر» و گاه با لفظ «تسویه» که در لغت عرب به معنای متساوی کردن و پرداختن است نام می‌برد؛ پس از مرحله صورت‌بندی، مرحله دمیدن روح است که قرآن، این مرحله از آفرینش انسان را چنین بیان می‌کند: ﴿فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ﴾<sup>[۵۱]</sup> «آنگاه که او را پرداختم [اعضای بدن آن را متساوی و متناسب قرار دادم] و در آن از روح خود [روحی بزرگ و شایسته] دمیدم، همگی برای او سجده کنید». آیه ۷۲ از سوره «ص» نیز مطابق با همین مضمون است.

با توجه به این مرحله، قرآن انسان را آمیزه‌ای ترکیب یافته از ماده و روح می‌داند؛ اگر جنبه مادی آن را در نظر بگیریم و به تحلیل آن بپردازیم، به خاک و گل تیره رنگ و بدبویی خواهد بود که لجنی بیش نیست؛ و اگر به جنبه معنوی آن توجه کنیم، دارای روحی است که از نظر عظمت و شایستگی به مرحله‌ای رسیده است که خداوند آن را به خود نسبت می‌دهد و می‌فرماید: «در آن روحی از خود دمیدم».<sup>[۵۲]</sup>

قرآن پس از بیان آفرینش انسان، نخست، بقای نسل او را از راه لقاح و آمیزش انسان نر و ماده می‌داند: ﴿الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِّنْ مَّاءٍ مَّهِينٍ﴾<sup>[۵۳]</sup> «آفرینش انسان را از گل آغاز کرد، آن گاه آفرینش نسل و بقای انسان را در آب بی‌ارزش قرار داد».

قرآن گاهی، از مایه نسل، به «ماء» و گاه به لفظ «نطفه» یاد می‌کند،<sup>[۵۴]</sup> قرآن چگونگی تکامل نطفه را در رحم، در آیات مختلفی آورده که جامع آن را در سوره‌ی مؤمنون مطرح کرده است: ﴿ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَرْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ﴾<sup>[۵۵]</sup> «آن گاه





نطفه را علقه و علقه را گوشت پاره و گوشت پاره را استخوان، سپس بر استخوان گوشت پوشانیدیم، آن گاه [با دمیدن روح] به او آفرینشی دیگر بخشیدیم، آفرین بر قدرت خدا که بهترین آفرینندگان است.<sup>[۵۶]</sup>

بنابراین انسان موجودی دو بُعدی است که یک جنبه او مادی و جنبه دیگرش غیرمادی است؛ بُعد مادی انسان منشا طبیعت و تمایلات حیوانی بوده و بُعد الهی او منشأ فطرت و تمایلات فوق حیوانی به شمار می‌رود؛ همین بُعد است که به انسان مقامی می‌دهد که فرشتگان به خاطر آن مقام، مأمور به سجده بر انسان می‌شوند.<sup>[۵۷]</sup>

چنان که بیان شد، در اندیشه اسلامی، در تمام مراحل خلقت، هیچ عبارت یا اشاره‌ای که بر تفاوت آفرینش آدم و حوا دلالت کند به چشم نمی‌خورد؛ بلکه در این باره که آیا همسر انسان از نوع خود انسان است در قرآن کریم آمده است: ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيًّا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَفَلَتْ دَعَا اللَّهَ رَبَّهَا لِنِ آتَيْتَنَا صَالِحًا لَتَكُونَ مِنَ الشَّاكِرِينَ﴾<sup>[۵۸]</sup> همچنان که در آیه‌ای دیگر نیز می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا﴾<sup>[۵۹]</sup> علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌فرماید:

مراد از «نفس واحده»، آدم، و مراد از «زوجها»، همسر اوست و ظاهر جمله «وخلق منها زوجها» این است که می‌خواهد بگوید زوج این فرد هم مثل خودش از همین نوع است.<sup>[۶۰]</sup> در روایات نیز این موضوع مورد تأیید قرار گرفته است؛ چنان که ابو مقدم می‌گوید: از امام (علیه السلام) پرسیدم: «خدا از چه حوا را بیافرید؟» فرمود: «دیگران چه می‌گویند؟» گفتم: «آنان معتقدند خدا حوا را از دنده مرد خلق کرد»؛ فرمود: «دروغ می‌گویند؛ آیا خداوند ناتوان بود که حوا را خلق کند؟» گفتم: «پس حوا چگونه خلق شد؟» فرمود: «خدا مستی از خاک زمین را برداشت و از آن آدم را بیافرید و از بقیه آن حوا را خلق کرد».<sup>[۶۱]</sup>

### تساوی در انسانیت

از آنجا که بحث از تفاوت‌های جنسیتی، فرع بر اعتبار جنسیت است، در صورتی که جنسیت، ویژگی ذات انسان به شمار آید، دارای اعتباری مطلق بوده و در همه حوزه‌های حیات انسانی نقش مؤثری خواهد داشت؛ اما چنانچه جنسیت، عنصر تعیین کننده‌ای در ذات

انسان نباشد، بحث از تفاوت‌های جنسیتی، دست‌کم در قلمروهای معطوف به حقیقت انسانی، نابه‌جا خواهد بود.<sup>[۶۲]</sup>

قرآن کریم دربارهٔ آفرینش، از دو واژه «خلق» و «امر» بهره‌جسته است؛ عموم مفسران، تفاوت خلق و امر را پذیرفته‌اند. واو عطف در آیه «أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ»<sup>[۶۳]</sup> نیز نشان می‌دهد که میان آفرینش امری و آفرینش خلقی (معطوف و معطوف علیه) تفاوت وجود دارد: تمام آیاتی که ناظر به آفرینش جسم انسانند از واژه «خلق» استفاده کرده‌اند؛<sup>[۶۴]</sup> در حالی که آیات معطوف به آفرینش روح، از مفاهیم امر، انشاء و نفخ بهره‌گرفته‌اند.<sup>[۶۵]</sup> نکتهٔ جالب این است که تمامی آیات مربوط به آفرینش انسان که جنسیت را مورد تصریح قرار داده‌اند نیز، تنها از واژه «خلق» استفاده نموده‌اند.<sup>[۶۶]</sup>

مقایسهٔ این سه دسته از آیات، بیان‌گر ربط جنسیت به جسم است؛ در این پیوند آیه «إِنَّمَا يَكُ نُطْفَةٌ مِنْ مَّيِّئِي يُمْنِي ثُمَّ كَانَ عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّىٰ فَبَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ»<sup>[۶۷]</sup> پیدایش جنسیت را به فرایندهای آفرینش جسمانی مربوط می‌سازد. انتساب جسم به خاک، گل خشکیده، آب گندیده، نطفهٔ جهنده و غیره با واسطهٔ «مین»، همراه با نسبت دادن روح به خدا با واسطهٔ همان واژه «مین»، تفاوت اساسی جسم و روح را از جهت مبدأ نشان می‌دهد. از سوی دیگر، آیاتی از قرآن که زوال، گم شدن و خاک شدن جسم را در انتهای زندگی دنیوی تأیید نموده، ولی بر جاودانگی و حیات پس از مرگ انسان یا روح انسانی تأکید دارد،<sup>[۶۸]</sup> بیان‌گر تفاوت اساسی جسم و روح از جهت مقصد است. همچنین، فهرست ویژگی‌های جسمانی، مانند مکان‌مندی، محسوس و مادی بودن، تغییر، فناپذیری و...، ارتباطی به روح ندارد؛ بنابراین، مغایرت اساسی روح با جسم از مبدأ، مقصد و ویژگی‌ها، سبب می‌شود که روح، جنسیت را برنتابد؛ بلکه نوع واحد انسانی، وحدت خود را مرهون یگانگی حقیقت روح باشد. وحدت نوعی انسان‌ها، حاصل وحدت حقیقت روحانی آن‌هاست و وحدت حقیقت روحانی، مانع از پذیرش اعتبار هرگونه تفاوتی از جمله تفاوت‌های جنسیتی خواهد بود؛ زیرا کثرت صورت، محکوم وحدت سیرت بوده و تعدد زبان، نژاد، اقلیم، عادات و آداب و دیگر عوامل گوناگون بیرونی، مقهور اتحاد فطرت درونی است.<sup>[۶۹]</sup>

به طور خلاصه، اعتباری بودن تفاوت‌های جنسیتی و طرد جنسیت از ذات و کمالات ذاتی آدمی، چنان‌که بیان می‌شود، مستند به برخی دلایل قرآنی است:





۱. آیات نخست سوره «رحمن» نشان می‌دهد که دریافت هدایت‌های قرآنی و بیانی که صرف نظر از واسطه‌های تربیتی، نظیر جامعه علمی و نظام آموزشی و...، توسط «رحمن» صورت می‌گیرد، مشروط به جنسیت نیست؛ مخاطب این هدایت‌ها و دانش‌ها، حقیقت واحد انسانی است.<sup>[۷۰]</sup>

۲. در قرآن، هنجارهای ارزشی به قلب منحصر می‌شوند و در قلب، جنسیت لحاظ نمی‌شود؛<sup>[۷۱]</sup> از این رو، کسب هنجارهای اخلاقی نیز به جنسیت مشروط نمی‌شود؛ چنان که در قرآن، مؤمن، کافر، عالم، متقی، رذیل، صادق، کاذب، صبور، عجول، سخی، بخیل و غیره، انسان‌هایی هستند که صرف‌نظر از جنسیت آنان، به خاطر داشتن ایمان، کفر، دانش، نادانی، تقوا، آلودگی، صداقت، دروغ‌گویی، صبر، شتاب‌زدگی، سخاوت و خست به این صفات متصف شده‌اند. این صفات نیز، جنسیت را بر نمی‌تابد. «اگر صبر، ذکورت و انوشت نداشت، صابر نیز مذکر و مؤنث نیست»؛ زیرا وطن صفات اخلاقی، جسم نیست، بلکه روح است و روح، از جنسیت منزّه است.

۳. غایت آفرینش نیز که عبارت است از بازگشت به خداوند «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»، در قرآن، به نفس مطمئنه تعلق گرفته، ولی نفس مطمئنه، با وجود اینکه علامت تأیید دارد، منزّه از جنسیت می‌باشد؛ زیرا جنسیت مستلزم مادیت است؛ درحالی‌که مبدأ و مرجع نفس مطمئنه، خداوند است که غیرمادی است. اگر بازگشت‌کننده (راجع) مادی باشد، لازم است محل بازگشت (مرجع) نیز مادی باشد؛ چون رجوع مادی، به مادی است؛ بنابراین، آیاتی که ناظر به رجوع یا عروج انسان به سوی خداوند هستند،<sup>[۷۲]</sup> حقیقت غیرمادی انسان را در نظر دارند؛ درحالی‌که «بدن، عین ذات، جزو ذات و لازمه ذات نیست؛ بلکه ابزار ذات است»؛<sup>[۷۳]</sup> از این رو، تفاوت‌های جنسی و در حقیقت غیرمادی انسان، در تعالی او و نیل به هدف آفرینش نقشی ندارند.

۴. آیه «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنفِي وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»<sup>[۷۴]</sup> بر دخالت نداشتن جنسیت در رسیدن به سعادت، که همان حیات طیبه است تصریح می‌کند، این آیه، ناظر به تساوی جنسی برای توفیق به حیات پاکیزه یا نیکی و نیکوکاری نیست؛ بلکه بی‌ارتباطی نیک عمل کردن و عامل نیکو بودن و در نتیجه، کسب سعادت جاودانه را از جنسیت مورد تأکید قرار می‌دهد و در واقع، اعلام به

دخالت نداشتن بدن است نه اعلام به تفاوت نداشتن.<sup>[۷۵]</sup> بدین ترتیب در پذیرش مسئولیت اعمال، پاداش و کیفر و کسب فضایل انسانی، جنسیت دخالتی ندارد<sup>[۷۶]</sup> ﴿وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى﴾<sup>[۷۷]</sup>

۵. در قرآن، معیار کرامت - اگر ناظر به تلاش انسانی باشد - تقوا خواهد بود: ﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾<sup>[۷۸]</sup> و چنانچه ناظر به آفرینش الهی باشد، تعلیم اسماء است. کاربرد مفهوم کرامت در عبارتهایی مانند ﴿إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ﴾، ﴿إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ﴾ و ﴿اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ﴾ نیز حاکی است که قرآن و وحی، تفصیل تعلیم اسماء هستند که نهایت آن تقواست؛ بدین ترتیب نه در مبدأ و نه در مقصد، برتری و کرامت، جنسیت، نژاد، زیبایی، قدرت و... تعیین نمی‌شود؛ بلکه فضیلت در مبدأ، به تعلیم اسمای حق و در مقصد، به تقواست.<sup>[۷۹]</sup>

هنگامی قرآن کریم از زبان پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: ﴿أَدْعُو إِلَيَّ اللَّهُ عَلَيَّ بِصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي﴾<sup>[۸۰]</sup> «من و هر که از من پیروی کرد، به سوی خدا دعوت می‌کنیم»؛ این دعوت، شامل همه انسان‌هاست، و اگر پیامبری دعوتنامه برای یک مرد به عنوان زمامدار یک کشور می‌نویسد، پیامبر دیگری هم دعوتنامه برای یک زن به عنوان زمامدار یک کشور می‌نویسد. اگر رسول خدا (ص) زمامداران مرد را به اسلام دعوت می‌کند، حضرت سلیمان عليه السلام نیز زنی فرمانروا را به اسلام فرا می‌خواند، هم دعوت‌ها عام‌اند و هم مدعوها و هیچ‌گونه اختصاصی در میان نیست.<sup>[۸۱]</sup>

در آیات گوناگونی از قرآن کریم بر یکسانی زن و مرد در دستیابی به مقامات معنوی تأکید شده است؛ برابر آیه ۳۵ سوره احزاب<sup>[۸۲]</sup> که حاوی ده ویژگی مشترک در زمینه قرب الهی برای مردان و زنان است، میان زن و مرد در عرصه معنوی و تعالی روح و نفس انسان، تفاوتی وجود ندارد؛ در این باره باید آیه مزبور را سبب شکسته شدن بت مردگرایی - که حتی توسط زنان پرستیده می‌شد - دانست.<sup>[۸۳]</sup>

قرآن موضوع زن و مرد را نفی می‌کند تا جایی برای بیان تساوی یا تفاوت میان این دو باقی نماند؛ از این رو چنانچه در سراسر قرآن کریم و سخنان عترت طاهره جست‌وجو شود، موضوعی را نمی‌توان یافت که در آن کمالی از کمالات معنوی، مشروط به مرد بودن یا ممنوع به زن بودن به شمار رفته باشد؛ در تمام سفرهای چهارگانه، هم زن سالک این راه





است و هم مرد و اگر تفاوتی هم هست در امور اجرایی است و کارهای اجرایی یک وظیفه است نه یک کمال؛ چنان که در بحث‌های فقهی که عهده‌دار تقسیم کار بوده و مسائل اجرایی را شرح می‌دهند، این گونه است؛ اما در بحث‌های تفسیری، کلامی، فلسفی و عرفانی بحثی از مرد بودن و یا زن بودن در میان نیست؛ بلکه تنها به انسانیت انسان توجه شده است.<sup>[۸۴]</sup>

اینکه تفاوت‌های تشریحی ریشه در اختلاف جنسیت و تفاوت‌های تکوینی دارد، هرگز دلیلی بر تفاوت این دو به لحاظ کسب کمالات انسانی نخواهد بود. قرآن، این دیدگاه را که زن نمی‌تواند به مقام قرب الهی، آن گونه که مردان می‌رسند، نایل شود، مردود دانسته و در آیات فراوانی تصریح کرده است که پاداش اخروی و قرب الهی به جنسیت مربوط نبوده، بلکه به ایمان عملی بستگی دارد.

#### تساوی در استعدادهای انسانی

قرآن کریم دربارهٔ استعدادها و امکانات مربوط به زن و مرد نیز نگرشی یکسان دارد؛ چنانکه که برخوردار از استعدادهای درونی همچون برخوردار از روح الهی،<sup>[۸۵]</sup> تسویه و تعدیل در آفرینش،<sup>[۸۶]</sup> برخوردار از ابزار ادراکی،<sup>[۸۷]</sup> داشتن فطرت الهی،<sup>[۸۸]</sup> وجدان اخلاقی<sup>[۸۹]</sup> و حمل امانت<sup>[۹۰]</sup> را برای هر دو می‌داند؛ چنانکه در امکانات بیرونی نیز، مانند آفرینش طبیعت،<sup>[۹۱]</sup> دانش،<sup>[۹۲]</sup> فرستادن رسولان<sup>[۹۳]</sup> و تنزیل کتاب<sup>[۹۴]</sup>، به زن و مرد یکسان نگریسته است.

#### تساوی در دشمن واحد

قرآن، شیطان را دشمن مشترک انسان دانسته، تأثیرگذاری او را در زن و مرد یکسان می‌شمارد،<sup>[۹۵]</sup> در آغاز آفرینش نیز، شیطان هر دو را وسوسه کرد و هر دو را فریب داد.<sup>[۹۶]</sup> برخلاف آنچه دیگر ادیان دربارهٔ بین زن و مرد و شیطان، بیان می‌کنند که ابلیس، زن را وسوسه و بعد زن مرد را فریفته است، قرآن تعبیر متفاوتی دارد؛ چنانکه می‌فرماید:

﴿وَيَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ فَكُلَا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ \* فَوسَّوسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوَاتِمِهِمَا وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنِ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكَتَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ \* وَقَاسَمَهُمَا



إِنِّي لَكُمْ لِمَنِ النَّاصِحِينَ \* فَذَلَّاهُمَا بِغُرُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوَاتُهُمَا وَطَفَقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَنَادَاهُمَا رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنْهَكُمَا عَنْ تِلْكَ الشَّجَرَةِ وَأَقُلَّ لَكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ﴿٩٧﴾

شهید مطهری ذیل این آیات و درباره چگونگی اعتقاد مسیحیت به موضوع فریفتن شیطان این گونه بیان می کند:

قرآن وقتی داستان آدم و شیطان را ذکر می کند برای آدم اصالت و برای حوا تبعیت قائل نمی شود؛ اول که می فرماید: ما به این دو نفر گفتیم که ساکن بهشت شوید (نه فقط به آدم)، ﴿لَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ﴾؛ به این درخت نزدیک نشوید؛ بعد می فرماید: ﴿فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ﴾؛ (۷) شیطان این دو را وسوسه کرد؛ نمی گوید که یکی را وسوسه کرد و او دیگری را وسوسه کرد؛ ﴿فَدَلِيهُمَا﴾؛ باز ضمیر تشبیه است؛ و ﴿وَقَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لِمَنِ النَّاصِحِينَ﴾؛ «آنجا که خواست فریب بدهد، جلوی هر دوی آن ها قسم دروغ خورد».

آدم همان مقدار لغزش کرد که حوا و حوا همان مقدار لغزش کرد که آدم. اسلام این فکر را، این دروغی را که مسیحیت به تاریخ مذهبها بسته بودند زدود و بیان داشت که جریان عصیان انسان چنین نیست که شیطان زن را وسوسه می کند و زن مرد را و بنابراین زن یعنی عنصر گناه؛ و شاید برای همین است که قرآن، گویی عنایت دارد که در کنار قدیسین از قدیسات بزرگ یاد کند که تمامشان در مواردی بر آن قدیسین علو و برتری داشته اند.<sup>[۹۸]</sup>

#### مالکیت زن

برخلاف ادیانی که نه تنها به زن استقلال اقتصادی نمی دهند، بلکه خود او هم جزء مایملک به شمار می رود، اسلام برای زن استقلال اقتصادی و حق مالکیت قائل است: ﴿لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا﴾؛<sup>[۹۸]</sup> «مردان از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان نزدیک ترشان باقی گذاشته اند سهمی دارند و زنان نیز از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان نزدیک ترشان باقی گذاشته اند سهمی دارند؛ چه آن مال کم باشد یا زیاد، که این سهمی مقرر است».

عبارت ﴿وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ﴾ حاکی است که زنان مالک تلاش خویش بوده و مالکیت آنان بر داراییها، سرمایهها و تلاشهایشان پذیرفته و نافذ است. با آنکه می توانست بفرماید: «هرکس مالک کسب خویش است»؛ ولی با دو جمله جدا و مستقل بر مالکیت زن نسبت به کسبش - همانند مرد - تأکید کرد.



## حق وصیت

اسلام با اعطای استقلال اقتصادی به زنان و به رسمیت شناختن مالکیت آنان، اجازه وصیت کردن در اموال را به آنان بخشید؛ زن حق دارد همچون مرد، در اموال خویش به مقدار ثلث وصیت کند تا به گونه‌ای شایسته پس از مرگش از آنها استفاده شود؛ آیاتی که بر این مطلب دلالت دارند، دو دسته‌اند:

۱. آیاتی که اجازه وصیت را به همه مردم داده‌اند، که شامل مرد و زن می‌شود، مانند آیه ۱۰۶ از سوره مائده و آیه ۱۸۰ از سوره بقره؛ خداوند در آیه اخیر می‌فرماید: ﴿كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِن تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ﴾؛ [۹۹] «بر شما نوشته شده، هنگامی که یکی از شما را مرگ فرا رسد، اگر چیز خوبی [مالی] از خود به جای گذارده، برای پدر و مادر و نزدیکان، به طور شایسته وصیت کند. این حقی است بر پرهیزگاران»؛ در این آیه، به وصیت در حق پدر و مادر و خویشاوندان سفارش شده است؛ اگرچه با نزول آیات ارث، وجوب وصیت برداشته شد، ولی استحباب آن و محبوبیت وصیت همچنان باقی است؛ در استحباب وصیت کردن برای والدین و خویشان، زن و مرد هر دو مساوی هستند، و زن، همچون مرد از چنین حقی برخوردار است.

آیه ۱۰۶ سوره مائده نیز از گواه بر وصیت به هنگام مرگ سخن می‌گوید؛ در آیه یاد شده آمده است که مؤمنان به هنگام مرگ برای حفظ حقوق ورثه و بازماندگان و ایتام و صغار، وصیت کنند و دو تن عادل را برای این وصیت گواه بگیرند. آن حکم نیز شامل زن و مرد می‌باشد.

۲. در برخی از آیات به طور خاص، سخن از وصیت زن به میان آمده و این حق را برای او محفوظ داشته است؛ همان‌گونه که برای مردان نیز چنین حقی را قرار داده شد. در آیات ارث، هنگامی که سخن از سهام هریک از زن و مرد است، به برخورداری آنان از حق وصیت تصریح شده است: ﴿وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِن لَّمْ يَكُن لَّهُنَّ وَلَدٌ فَإِن كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلَكُمْ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَنَّ مِن بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوَصِّينَ بِهَا أَوْ دِينٍ﴾؛ [۱۰۰] «و برای شما، نصف میراث زنان است اگر آنان فرزندی نداشته باشند و چنانچه دارای فرزند باشند، یک چهارم از آن شماست؛ پس از ادای وصیتی که کرده‌اند و ادای دین آنان».

در این آیه، عبارت ﴿مِن بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوَصِّينَ بِهَا﴾ بر حق وصیت زنان دلالت دارد که در واقع این حق وصیت، از حق مالکیت زنان و استقلال اقتصادی آنان ناشی می‌شود.



در ادامه آیه، از حق وصیت مردان سخن گفته و آمده است: ﴿مِن بَعْدِ وَصِيَّةِ تُرْصِينِ بِهِنَّ﴾؛ که در واقع حاکی است زن و مرد هردو به طور یکسان از حق وصیت برخوردارند و هردو صنف می‌توانند درباره اموال خویش وصیت کنند.<sup>[۱۰۱]</sup>

### جمع‌بندی

به باور ما نگاه ادیان به زن، نمی‌تواند جز در احکام غیرمرتبط با ماهیت زن، آن‌هم به دور از هرگونه ظلم و تبعیض، تفاوتی داشته باشد؛ اما آنچه در متون تحریف شده به اصطلاح مقدس، از ادیان پیش از اسلام در این باره می‌توان یافت، نگاهی غیرمنطقی، نامعقول و ظالمانه، نسبت به زنان است؛ چنانکه زنان موجوداتی درجه‌دومی و غیرمستقل، بلکه تبعی و در خدمت مردان به شمار آمده‌اند.

برخورد اسلام با این موضوع، به گونه‌ای بوده است که فضای بحث را از اساس تغییر داد؛ اسلام در عین لحاظ واقعیات دو جنس که در بعضی از موارد، احکام متفاوتی را می‌طلبد، با از بین بردن مجال بحث درباره برتری یکی بر دیگری، حقیقت انسان را نه به جسمی که جنسیت عارض بر آن است مربوط دانسته، بلکه از آن روح راکب بر جسم می‌داند.



## پی‌نوشت‌ها

[۱] تفسیر نمونه، ذیل آیه ۱۹ آل عمران: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ»

[۲] تفسیر المیزان، ذیل آیه ۱۹ آل عمران: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ»

[۳] آسمانی بودن دین زرتشت محل اختلاف است. در این پژوهش بنابر دین بودن آن، به موضوع پرداخته شده است.

[۴] موسوی مبلغ، سید محمدحسین، «بررسی تطبیقی زن در نگاه جاهلیت ادیان، اسلام و فمینیسم»، دانشنامه موضوعی قرآن، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی.

[۵] روایت آذرفرنبغ فرخزادان، ترجمه حسن رضایی باغبیدی، ص ۱۶، انتشارات دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۴. به نقل از پژوهش‌های ایرانی:

[www.ghiasabadi.com/human-sufferings-230.html](http://www.ghiasabadi.com/human-sufferings-230.html)

[۶] رضی، هاشم، دانشنامه ایران باستان، جلد یکم، انتشارات بهجت، تهران، ۱۳۸۱، ص ۳۸۲. به نقل از پژوهش‌های ایرانی:

[www.ghiasabadi.com/human-sufferings-230.html](http://www.ghiasabadi.com/human-sufferings-230.html)

[۷] بارتولومه، کریستیان، زن در حقوق ساسانی، ترجمه ناصرالدین صاحب الزمانی، ص ۴۰، تهران، ۱۳۳۷. به نقل از پژوهش‌های ایرانی:

[www.ghiasabadi.com/human-sufferings-230.html](http://www.ghiasabadi.com/human-sufferings-230.html)

[۸] روح پاک و بی‌آلایش.

[۹] وکیلی، الهه، «بررسی حقوق انسانی و اجتماعی زن در قرآن»، فصلنامه بینات، ش ۵۹، ص ۱۳۷، ۱۳۸۷.



[۱۰] وندیداد، ۳ / ۱۵۱۷ / ۱۶ / ۱ - ۱۱.

[۱۱] وندیداد، ۳ / ۱۵۱۷ / ۱۶ / ۱۲.

[۱۲] وندیداد، ۳ / ۱۵۱۷ / ۱۶ / ۱۳.

[۱۳] میرفخرایی، مهشید، روایت پهلوی، ص ۲۸۹، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۹۰.

[۱۴] جیمس دارمستر، مجموعه قوانین زردشت یا وندیداد اوستا، ترجمه دکتر موسی جوان، دنیای کتاب، ص ۱۲۸.

[۱۵] وندیداد، در مجموعه اوستا، گزارش استاد جلیل دوستخواه، جلد دوم، ص ۷۱۳ تا ۷۱۶ به نقل از مرادی غیاث آبادی، رضا، حقوق زنان در دین زرتشتی، مرداد ۱۳۸۵.  
[www.ghiasabadi.com/zanesasani.html](http://www.ghiasabadi.com/zanesasani.html)

[۱۶] سفر پیدایش، باب دوم، ۷.

[۱۷] همان، باب دوم، ۲۳.

[۱۸] تورات، باب سوم، آیات ۱ الی ۷.

[۱۹] همان، آیات ۱۶ الی ۱۷.

[۲۰] سفر خروج، ۱۶، ۲۳-۲۶.

[۲۱] کتاب فرهنگ و تعلیمات دینی یهود به نقل از سید محمدحسین، موسوی مبلغ، بررسی تطبیقی زن در نگاه جاهلیت ادیان؛ اسلام و فمینیسم، دانشنامه موضوعی قرآن، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی.

[www.quran-p.com/index.php/page,articleView/articleID,261](http://www.quran-p.com/index.php/page,articleView/articleID,261)

[۲۲] سفر پیدایش، ۳، ۷.

[۲۳] سفر پیدایش، ۳، ۱۷.

[۲۴] سفر خروج، ۲۲، ۱۵.

[۲۵] دئوترونومی ربه ۱۱، ۲.

[۲۶] سفر تثبیه ۲۲، ۲۸.

[۲۷] همان، ۲۲، ۱۳.





[۲۸] اعداد ۵:۱۱-۳۰.

[۲۹] سفر تشبیه، فصل ۳- آیه ۱.

[۳۰] سفر لاویان، باب دوازدهم، آیات ۲ الی ۵.

[۳۱] سفر پیدایش، باب ۳۵، آیه ۱۷.

[۳۲] سفر لاویان، باب ۲۷، آیات ۲ الی ۴.

[۳۳] سفر لاویان، آیات ۱۹ تا ۲۱.

[۳۴] سفر تشبیه، باب ۵، آیات ۱۲ الی ۱۷.

[۳۵] تلمود، گیت ۶۲.

[۳۶] موسوی مبلغ، همان. سید محمدحسین، بررسی تطبیقی زن در نگاه جاهلیت ادیان؛

اسلام و فمینیسم، دانشنامه موضوعی قرآن، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی

[www.quran-p.com/index.php/page,articleView/articleID,261](http://www.quran-p.com/index.php/page,articleView/articleID,261)

[۳۷] قرتیان، ۱۱، ۹.

[۳۸] قرتیان، ۱۱، ۸.

[۳۹] قرتیان ۹، ۱۱.

[۴۰] همان ۱۱، ۸-۳.

[۴۱] افسسیان، ۵، ۲۳.

[۴۲] همان، ۵، ۲۴.

[۴۳] رساله اول پولس رسول به افسسیان، باب ۵، آیات ۲۲ و ۲۳.

[۴۴] انجیل متی، ۳۲/۵.

[۴۵] سفر تشبیه، ۴، ۲۴.

[۴۶] رساله اول پولس به تیموتائوس، باب دوم، آیات ۴ و ۵.

[۴۷] مطهری، مرتضی، «دیدگاه مذهبی مسیحیت نسبت به زن»، مجموعه آثار، ج ۱۷،

ص ۴۰۱.

[www.hawzah.net/Per/E/ZaNDefa.asp?URL=Start/ZanStart.htm](http://www.hawzah.net/Per/E/ZaNDefa.asp?URL=Start/ZanStart.htm)

[۴۸] انجیل کاتولیک، باب ۳، آیه ۲۲.



[۴۹] سفر خروج، ۷، ۲۱.

[۵۰] حجر، ۲۹.

[۵۱] سبحانی تبریزی، جعفر، «انسان در جهان بینی اسلامی، مراحل آفرینش انسان نخستین، فلسفه، کلام و عرفان»، درس‌هایی از مکتب اسلام، تیر ۱۳۶۲، سال ۲۳، ش ۴، ص ۱۴ تا ۱۷.

[۵۲] سجده، ۷ و ۸.

[۵۳] فرقان، ۵۴؛ سجده، ۸؛ مرسلات، ۲۰؛ طارق، ۶؛ (در این سوره‌ها لفظ «ماء» آمده است) و نیز به سوره‌های نحل، ۴؛ کهف، ۷۳؛ حج، ۵؛ مؤمنون، ۱۳ و ۱۴؛ فاطر، ۱۱؛ یس، ۷۷؛ غافر، ۶۷؛ نجم، ۴۶؛ قیامت، ۳۷؛ انسان، ۲؛ عبس، ۱۹.

[۵۴] مؤمنون، ۱۲.

[۵۵] سبحانی تبریزی، جعفر، همان، ص ۱۴-۱۷.

[۵۶] شجاعی، محمد، «کمالات وجودی انسان»، قبسات، پاییز ۱۳۷۸، ش ۱۳، ص ۱۲۶-۱۳۹.

[۵۷] اعراف، ۱۸۹.

[۵۸] نساء، ۱.

[۵۹] طباطبائی، سید محمدحسین، تفسیرالمیزان، مترجم: موسوی همدانی، ج ۴، ص ۱۳۵.

[۶۰] صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۷۹.

[۶۱] علم الهدی، جمیله، «جنسیت در تربیت اسلامی»، فصلنامه تربیت اسلامی، پاییز ۱۳۸۳، ش ۸، ص ۵۹-۹۲.

[۶۲] اعراف، ۵۴.

[۶۳] نظیر آیات فرقان، ۵۴؛ نحل، ۴؛ قیامت، ۳۸؛ علق، ۲؛ حجر، ۳۳ و ۲۶؛ ص، ۷۶؛ روم، ۲۰؛ فاطر، ۱۱.

[۶۴] ﴿قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي﴾ اسراء، ۸۵؛ ﴿وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي﴾ ص، ۷۲؛ ﴿وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ﴾ سجده، ۹؛ ﴿ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ﴾ مؤمنون، ۱۴؛ قیامت، ۳۸؛ علق، ۲؛ حجر، ۳۳ و

۲۶؛ ص، ۷۶؛ روم، ۲۰؛ فاطر، ۱۱.



- [۶۵] نظیر آیات نجم، ۴۵؛ قیامت، ۳۹؛ لیل، ۳؛ حجرات، ۱۳؛ نساء، ۱؛ یس، ۳۶؛ زخرف، ۱۲؛ شوری، ۴۹.
- [۶۶] قیامت، ۳۷-۳۹.
- [۶۷] ر.ک: آل عمران، ۱۶۹؛ بقره، ۱۵۴؛ سجده، ۱۰-۱۱.
- [۶۸] جوادی آملی، تسنیم، قم، ج ۱، اسراء، ۱۳۸۰، ص ۳۴.
- [۶۹] همو، زن در آینه جلال و جمال، قم، اسراء، ۱۳۷۷. ر.ک: احزاب، ۳۲؛ حج، ۴۶؛ بقره، ۲۸۳؛ تغابن، ۲۱.
- [۷۰] ر.ک: احزاب، ۳۲؛ حج، ۴۶؛ بقره، ۲۸۳؛ تغابن، ۲۱.
- [۷۱] نظیر: (بقره، ۱۸۶)، (صافات، ۸۴)، (شعرا، ۸۹).
- [۷۲] ر.ک: جوادی آملی، همان، ص ۲۴۷.
- [۷۳] نحل، ۹۷.
- [۷۴] ر.ک: جوادی آملی، همان، ص ۹۰.
- [۷۵] ر.ک: (نحل، ۹۷)، (آل عمران، ۱۹۵)، (آل عمران، ۱۷)، (احزاب، ۳۵)، (یوسف، ۱۰۸)، (طرد، ۲۱).
- [۷۶] نجم، ۳۹.
- [۷۷] حجرات، ۱۳.
- [۷۸] علم الهدی، جمیله، «جنسیت در تربیت اسلامی»، فصلنامه تربیت اسلامی، پاییز ۱۳۸۳، شماره ۸، ص ۵۹-۹۲.
- [۷۹] یوسف، ۱۰۸.
- [۸۰] همان، جوادی آملی، ص ۷۷.
- [۸۱] ﴿إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَنَاتِ وَالْقَنَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّانِعِينَ وَالصَّانِعَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا﴾ (احزاب، ۳۵).





- [۸۲] خامنه‌ای، سیدعلی، زن و بازیابی هویت حقیقی، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۹۱، ص ۶۰
- [۸۳] جوادی آملی، همان، ص ۸۷
- [۸۴] حجر، ۲۹ - ۲۸؛ ص، ۷۲ - ۷۱؛ سجده، ۹ - ۷.
- [۸۵] انفطار، ۶۷
- [۸۶] نمل، ۷۸؛ مؤمن، ۳۰
- [۸۷] روم، ۳۰
- [۸۸] شمس، ۸ - ۷
- [۸۹] احزاب، ۷۲
- [۹۰] حج، ۶۵ و ۲؛ ابراهیم، ۳۳ - ۳۲؛ جائیه، ۱۳؛ نحل، ۱۴؛ بقره، ۲۹
- [۹۱] بقره، ۲۳۹؛ انعام، آیه ۹۱؛ رحمن، ۳ - ۱؛ علق، ۵ - ۴
- [۹۲] مائده، ۳۰؛ جمعه، ۱
- [۹۳] بقره، ۱۸۵؛ ابراهیم، ۱
- [۹۴] یوسف، ۵؛ یس، ۶۰
- [۹۵] بقره، ۳۵ - ۳۴؛ اعراف، ۱۹ - ۲۲؛ طه، ۱۲۱ - ۱۱۷
- [۹۶] اعراف، ۱۹-۲۲؛ ای آدم! تو و همسرت در بهشت ساکن شوید! و از هر جا خواستید، بخورید! اما به این درخت نزدیک نشوید که از ستمکاران خواهید بود، پس شیطان آن دو را وسوسه کرد تا آنچه از عورت‌هایشان برایشان پوشیده مانده بود، برای آنان نمایان گرداند و گفت: پروردگارتان شما را از این درخت منع نکرد جز [برای] آنکه [مبادا] دو فرشته گردید یا از [زمره] جاودانان شوید و برای آن دو سوگند یاد کرد که من قطعاً از خیرخواهان شما هستم؛ پس با فریب، آنها را سقوط داد و چون از آن درخت خوردند عورت‌هایشان در نظرشان نمودار شد و از برگ‌های بهشتی به بدنشان چسباندند و پروردگارشان ندا داد: مگر من شما را از این درخت منع نکردم و به شما نگفتم که شیطان دشمن آشکار شماست.
- [۹۷] مطهری، مرتضی، «دیدگاه مذهبی مسیحیت نسبت به زن»، مجموعه آثار، ج ۱۷، ص ۴۰۱. [www.hawzah.net/Per/E/ZanDefa.asp?URL=Start/ZanStart.htm](http://www.hawzah.net/Per/E/ZanDefa.asp?URL=Start/ZanStart.htm)

[۹۸] نساء، ۷.

[۹۹] بقره، ۱۸۰.

[۱۰۰] نساء، ۱۲.

[۱۰۱] داوودی، سعید، «تساوی حقوق زن و مرد در قرآن کریم»، دانشنامه موضوعی قرآن، مرکز فرهنگ و معارف قرآن:

[www.maarefquran.org/index.php/page,viewArticle/LinkID,4128](http://www.maarefquran.org/index.php/page,viewArticle/LinkID,4128)



## کتاب‌نامه

۱. قرآن کریم
۲. بارتولومه، کریستیان، زن در حقوق ساسانی، ترجمه ناصرالدین صاحب الزمانی، تهران، نشر عطایی، ۱۳۳۷.
۳. جوادی آملی، تسنیم، قم، نشر اسراء، ۱۳۸۰.
۴. جوادی آملی، زن در آینه جلال و جمال، قم، اسراء، ۱۳۷۷.
۵. جیمس دارمستتر، مجموعه قوانین زردشت یا وندیداد اوستا، ترجمه دکتر موسی جوان، دنیای کتاب، تهران، نشر دنیای کتاب، ۱۳۸۶.
۶. خامنه‌ای، سیدعلی، زن و بازیابی هویت حقیقی، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۹۱.
۷. داوودی، سعید، تساوی حقوق زن و مرد در قرآن کریم، دانشنامه موضوعی قرآن، مرکز فرهنگ و معارف قرآن؛
۸. دوستخواه، جلیل، اوستا: کهن‌ترین سرودها و متنهای ایرانی، ج ۲، نشر مروارید، ۱۳۸۴.
۹. رضی، هاشم، دانشنامه ایران باستان، انتشارات بهجت، تهران، ۱۳۸۱.
۱۰. روایت آذرفرنبغ فرخزادان، ترجمه حسن رضایی باغبیدی، انتشارات دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۴.
۱۱. سبحانی تبریزی، جعفر، «انسان در جهان بینی اسلامی، مراحل آفرینش انسان نخستین، فلسفه، کلام و عرفان»، درس‌هایی از مکتب اسلام، تیر ۱۳۶۲، سال ۲۳، ش ۴، ص ۱۴ تا ۱۷.
۱۲. شجاعی، محمد، «کمالات وجودی انسان»، قبسات، پاییز ۱۳۷۸، ش ۱۳، ص ۱۲۶-۱۳۹.
۱۳. شیخ صدوق، ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
۱۴. طباطبائی، سید محمدحسین، تفسیرالمیزان، مترجم: موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ ش.
۱۵. علم الهدی، جمیله، «جنسیت در تربیت اسلامی»، فصلنامه تربیت اسلامی، پاییز ۱۳۸۳.





- ش ۸، ص ۵۹-۹۲.
۱۶. مطهری، مرتضی، «دیدگاه مذهبی مسیحیت نسبت به زن»، مجموعه آثار، ج ۱۷؛
۱۷. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، تهران، نشر دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۰.
۱۸. موسوی مبلغ، سید محمدحسین، «بررسی تطبیقی زن در نگاه جاهلیت ادیان، اسلام و فمینیسم»، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، پاییز و زمستان ۱۳۸۰ - شماره ۲۷، ۲۸ و ۳۰ ص ۱۹۴ - ۲۲۳.
۱۹. میرفخرایی، مهشید، روایت پهلوی: آوانویسی، برگردان فارسی، یادداشت‌ها و واژه نامه، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۹۱.
۲۰. وکیلی، الهه، «بررسی حقوق انسانی و اجتماعی زن در قرآن»، فصلنامه بینات، ش ۵۹، ص ۱۳۷، ۱۳۸۷.
21. [www.hawzah.net/Per/E/ZaNDefa.asp?URL=Start/ZanStart.htm](http://www.hawzah.net/Per/E/ZaNDefa.asp?URL=Start/ZanStart.htm)
22. [www.maarefquran.org/index.php/page,viewArticle/LinkID,4128](http://www.maarefquran.org/index.php/page,viewArticle/LinkID,4128)